

عدالت و مهرورزی در قرآن

آیت الله محمد علی تسخیری

یکی از اصول و ارزشهای عالی انسانی که در تاریخ پرفراز و نشیب بشری همواره مورد توجه انسانها مخصوصاً رهبران فکری و مصلحان اجتماعی بوده، بلکه به عنوان آرمان متعالی آنان شناخته شده است، اصل عدالت است. همه انسانها، چه آنانی که به این آرمان بزرگ پایبند و ملتزم بوده‌اند و در راه آن تا سر حد جان فداکاری و از خودگذشتگی کرده‌اند و چه آنانی که از زمره ستمگران و جانیان تاریخ محسوب می‌شوند در عمق فطرت خویش بر ارزش و تعالی آن باور داشته دسته‌ای با همه وجود و دسته دیگر حداقل در گفتار خود بر آن گواهی داده‌اند. (وجحدوا بها واستیفنتها انفسهم).

و از آنجا که این ریشه در فطرت بشر دارد هر انسانی به گونه‌ای ذاتی و درون جوش خواهان رسیدن به آن است. البته بگونه‌ای که خواهیم دید تفسیر انسانها از این اصل و تشخیص مصادیق آن مورد اختلاف فاحش است. به گواهی قرآن مجید فلسفه بعثت انبیاء، ارسال رسل، انزال کتب و تشریح قوانین مختلف از سوی پروردگار متعال نیز در این راستا قرار داشته و انبیای عظام الهی که راهبران حقیقی انسانها به سوی سعادت دنیا و آخرت هستند، ایجاد جامعه عادلانه در سرلوحه اهداف والایشان قرار داشته است:

لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه باس شدید و منافع للناس.

در قرآن مجید تعابیر مختلفی درباره این اصل حیاتی و مهم بکار رفته است، از جمله:

۱- تعبیر به عدل و مشتقات آن (۲۸ بار)

۲- تعبیر به قسط و مشتقات آن (۲۵ بار)

۳- تعبیر به وزن و مشتقات آن (۲۳ بار)

۴- تعبیر به حق که البته معنایی عام است که شامل عدالت هم می‌شود (۲۸ بار)

۵- در بسیاری از آیات هم با نفی ظلم و مذمت آن بر اصل عدالت صحه گذاشته شده است.

۲۹۲۷

معنای لغوی عدالت:

قیومی در مصباح المنیر گفته است: العدل: القصد فی الامور و هو خلاف الجور ... و العداله صفة توجب مراعاتها الاحتراز عما یخل بالمروه.

عدالت یعنی میانه روی در امور که نقطه مقابل آن جور یا ستم قرار دارد ... و عدالت صفتی است که مراعات نمودن آن باعث دوری از کارهایی می شود که به مروت و جوانمردی آسیب می رساند.

وی قسط را هم از کلماتی دانسته که هم به معنای عدالت است و هم گاهی بر حسب مورد استعمال بر ضد آن دلالت می کند.

راغب اصفهانی با عبارتی روشتر به تعریف عدالت پرداخته و می گوید: العداله و المعادله، لفظ یقتضی معنی المساواه.

عدالت کلمه ای که در معنای مساوات بکار رفته است.

هم او قسط را به معنای عدالت گرفته و می گوید: القسط هو النصیب بالعدل، قسط یعنی بهره عادلانه.

اقسام عدالت:

به طور کلی در فرهنگ اسلامی واژه و مفهوم عدالت در سه مورد به کار رفته است:

۱- عدل الهی یا دادگری پروردگار

عدالت یکی از صفات ثبوتیه الهی است که مورد نفاق همه مسلمانان است ولی متلکمان اسلامی از فرق گوناگون کلامی در تفسیر آن اختلاف نظر دارند.

دسته ای از آنان که عمدتاً اشاعره هستند معیار و ملاکی برای عدالت جز فعل پروردگار قائل نیستند و به اصلاح می گویند: (هر چه آن خسرو کند شیرین بود) اینان مفهومی مستقل که قابل فهم و درک بشر باشد برای عدالت نمی شناسند.

دسته دیگر که معتزله و شیعه از این گروه هستند قائل به حسن و قبح ذاتی افعال هستند که عقل بشر توان درک و فهم آن را دارد. بنابراین آنچه را عقل انسان عدل می داند و خوب تشخیص می دهد در حق پروردگار رواست و

۲۹۲۸

آنچه را عقل بشر قبیح دانسته و مصداق ظلم برمی‌شمارد از ساحت مقدس او به دور است این اختلاف در تفسیر عدل الهی و تشخیص مصادیق آن از جمله مواردی است که معرکه آراء بین دانشمندان مسلمان در طول تاریخ هزار و اندی ساله گذشته است.

۲- عدالت فردی و اخلاقی

عدالت فردی و اخلاقی مرحله عالی تقوای یک فرد مسلمان و به اصطلاح ملکه راسخه‌ای در نفس اوست که سبب التزام به دستورات شرع انور و رعایت حلال و حرام الهی است.

سئل الصادق (ع) عن صفة العدل من الرجل، فقال (ع): اذ ان غض طرفه عن المحارم و لسانه عن المأثم و كفه عن المظالم (۴۰، ج ۷۸، ص ۲۴۸).

از امام صادق (ع) درباره صفت عدالت در انسان سوال شد، حضرت فرمودند: (عدالت) زمانی است که انسان چشمش را از نامحرم بپوشاند، زبانش را به گناه آلوده نکند و دستش را از ستم و تجاوز در حق دیگران نگه دارد. این معنای عدالت همان است که در بسیاری از مسئولیتها شرط لازم است. مثل رهبری جامعه، مسئولیت‌های کلیدی، قضاوت، شهادت، امامت جمعه و جماعت.

۳- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی مفهومی گسترده‌تر از عدالت فردی دارد و در یکی دو سده اخیر معرکه آرا و میدان رقابت بین مکتهای مختلف اجتماعی بوده است.

عدالت در این معنا به مفهوم وضت نظامات اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی عادلانه برای تامین بهترین روش زندگی برای بشر است. به گونه‌ای که سعادت و خوشبختی، رفاه و آسایش فراگیر، آرامش روحی و روانی، توازن اجتماعی، توسعه و پیشرفت و ترقی علمی و فرهنگی برای جوامع انسانی به ارمغان آورده آنها را از جهل، عقب‌ماندگی، فقر، بیماری و رنجها و آلام مختلف نجات بخشد.

یک نظام عادلانه اجتماعی باید توانایی اداره همه عرصه‌های زندگی انسان را داشته باشد و تعادل و توازن اجتماعی را برای همه افراد به گونه‌ای برابر و بدون تبعیض به ارمغان آورد. اهمیت عدالت در زندگی اجتماعی

۲۹۲۸

انسانها به حدی است که به فرموده پیامبر اکرم یک نظام حکومتی ممکن است با کفر و بی‌خدایی دوام یابد ولی ستم و تبعیض سبب فروپاشی حکومتها می‌شود. الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم.

در عصر و زمانه مابۀ طور عمدۀ دو مکتب وضعی بشری یعنی سرمایه‌داری و سوسیالیسم هر یک داعیه‌دار تاملین عدالت اجتماعی بوده و با یکدیگر در رقابت و تضاد بوده‌اند به گونه‌ای که در سراسر قرن بیستم میلادی علاوه بر قدرتهای سیاسی، اقتصادی و نظامی، که به دو اردوگاه قدرت تقسیم شده بودند، افکار و اندیشه‌های نخبگان و متفکران و نیز مراکز علمی، آکادمیک و احزاب و دستجات فکری و سیاسی هم به گونه‌ای به یکی از دو بلوک بزرگ قدرت وابسته بودند.

امروزه با فروپاشی بلوک شرق و فرو ریختن دیوارهای مکتب الحادئ مارکسیسم آثار و پیامدهای هفتاد سال سلطه این مکتب را در قسمتی از جهان مشاهده می‌کنیم. که چیزی جز فقر، عقب ماندگی و درماندگی انسان در بر نداشته است.

حاصل حاکمیت سرمایه و سرمایه‌سالاری را نیز در بخشی دیگر از جهان شاهدیم که به استعمار و استثمار ملل فقیر، اشغال و تجاوز سرزمینها، اختلافات فاحش طبقاتی و تبعیض نژادی حتی در درون جوامع سرمایه‌داری و بی‌هویتی، سرگردانی و دوری از معنویت منجر شده و باغ سبزی که دورنمایش را کاپیتالیسم در برابر بشریت ترسیم می‌کرد، برای اکثریت جامعه جز فلاکت و نابرابری چیزی بر جای نگذاشته است.

عدالت اجتماعی در اسلام

اما اسلام تنها مکتب الهی داعیه‌دار عدالت حقیقی برای بشریت، نظاماتی ارائه می‌کند که در فلسفه، اهداف، پایه‌ها و برنامه‌هایش تفاوت اساسی با مکاتب وضعی بشری دارد اسلام با جامعیت و شمول خویش در ارائه تصویری صحیح از هستی و انسان و تشریح نظامات مختلف عبادی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی انسان را موجودی می‌داند که سرمنزل مقصودش رسیدن به مقام قرب الهی و حرکت در مسیر تکامل معنوی است. کلیه نظامات اسلامی نیز جهت تسهیل حرکت در این مسیر تشریح گردیده است.

عدالت اجتماعی اسلام پایه و اساسش عدل الهی در تشریح و تکوین، عقیده به معاد و قیامت، گسترش مکارم

اخلاقی، تکافل اجتماعی و حرکت جامعه براساس احکام الهی و محوریت نظام امامت و ولایت است.

بر این اساس یک فرد مسلمان تلاش می‌کند با حرکت در مسیری که مورد رضایت حق تعالی است، امکانات

مادی و نعمتهای الهی این جهان را وسیله‌ای برای تکامل معنوی خویش قرار دهد.

در جهان‌بینی الهی اسلام کار و تلاش و فعالیت اقتصادی و نیز کسب مقامات سیاسی و دنیایی نه وسیله‌ای برای

سودطلبی، رقابت و کسب قدرت و شهرت بلکه بستری برای کمال محسوب می‌شود و انسان پیوسته در مسیر تبدیل

مادیت به معنویت در حرکت است.

در جهان‌بینی اسلامی خدمت به خلق خدا، مهرورزی به انسانها، پرداخت مالیتهای شرعی و حقوق اقتصادی

نوعی عبادت و وسیله‌ای برای قرب الی الله است.

انفاق در راه خدا و صدقه و زکات پیوسته همراه با نماز و عبادت ذکر می‌شود قرض به نیازمندان قرض به

خداوند متعال است.

صدقه قبل از فقیر به دست خدا می‌رسد.

خانه خدا، خانه مردم است.

و بالاخره محبت و مهرورزی به انسانها تابعی از محبت به خداوند بزرگ است. در جهان‌بینی اسلامی حرکت در

مسیر عدالت اجتماعی تلاشی برای هماهنگ ساختن انسان و جامعه با کل عالم خلقت است.

(والسما رفعتها و وضع المیزان الا تطغوا فی المیزان و اقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان و الارض وضعها

للانام) (الرحمن: ۷-۱۰)

در نظام عادلانه الهی:

۱- حاکمیت و مالکیت مطلق از آن خداست.

۲- حاکمیت و مالکیت انسانها اعتباری و نوعی امانتداری برای پیمودن مسیر رشد و تکامل است.

۳- همه انسانها صرف نظر از نژاد، زبان، رنگ و قومیت با هم برابر هستند و کرامت انسانی پایه و اساس همه

قانونگذاریها است. البته دو نوع کرامت داریم: کرامتی به اعتبار انسان بودن (و لقد کرمنا بنی آدم) و کرامتی به اعتبار

۲۹۴۱

صفات اکتسابی (آن اکر مکم عندالله اتقاکم).

- ۴- محبت و مهرورزی به انسانها و خدمت به خلق خدا نوعی عبادت و در مسیر دوستی پروردگار است.
 - ۵- خداوند متعال در عرصه تشریح و قانونگذاری نظامات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، تربیتی و قضایی متناسب با ساختار وجودی فرد و جامعه انسانی وضع نمود. این نظامات نسبت به تمامی مردم به گونه‌ای یکسان اجرا می‌شوند و کسی را بر دیگری ترجیح نیست.
 - ۶- در نظام عادلانه اسلامی قانونگذار که خداوند متعال است عادل است، قوانین و نظامات مختلف بر پایه عدالت تشریح گردیده، مجریان قانون و در راس همه حاکم اسلامی نیز باید در چارچوب عدالت حرکت کنند.
 - ۷- در مکتب اسلام همه مواهب طبیعی و ثروتهای خدایی برای همه انسانها خلق شده و در اختیار بشر قرار گرفته تا براساس نیاز، تلاش و فعالیت و مصالح جامعه در راه رسیدن به رشد و کمال انسانی تحت نظارت و اشراف ولی امر و امامت امت بین انسانها توزیع گردد.
 - ۸- در مکتب سیاسی اسلام تساوی انسانها، شایسته‌سالاری، نظام امامت و رهبران الهی، نظام بیعت و شورا، و به اصطلاح امروز (مردم سالاری دینی) اساسی اداره جامعه است.
 - ۹- پایه و اساس همه نظامات اسلامی تقوا، پرهیزکاری و عبودیت حضرت حق است که تضمین کننده حرکت انسان در مسیر ضوابط و مقررات شرعی است.
 - ۱۰- و از جمله مهمترین ابزارهای رسیدن به این حالت روزه و رمضان و اعمال مختلف این ماه است که تمرین تقوا است، هم مهرورزی به انسانها و هم برنامه کامل تربیتی برای حرکت انسان در مسیر رشد و تعالی معنوی، کنترل غرایز سرکش و تقویت بنیه‌های ایمانی.
- پس می‌توان گفت اسلام از جهان یک بنای متکامل متوازن قائم براساس عدل و رحمت و محبت الهی به مخلوقات ترسیم نموده است و در صحنه اجتماعی کوشش می‌کند که جامعه اسلامی مبتنی بر توازن و تعادل بین سطوح زندگی افراد، و تکافل اجتماعی متبادل ناشی از محبت و مودت و مهرورزی برپا کند و به تعبیر دیگر: نظام اسلامی جامع، هدایت‌کننده کل روابط انسانی به سوی تعادل و تکافل همه جانبه بر پایه‌های:

۲۹۴۲

اعتقاد به مکتب توحید و عدل و مفاهیم هدایت کننده کل مسیر نظیر خلافت الهی، تقوای فردی و اجتماعی و اخوت و مهرورزی و عواطف ساخته شده توسط دو اصل قبلی و توجیه کننده رفتارهای بشری سازنده (یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم) و مجددا (ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتا ذی القربى و ینهى عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون).